

کتاب حقوق نبی

۱ وحی که حقوق نبی آن را دید.

فریاد حقوق

۲ ای خداوند تا به کی فریاد برمی آورم و نمی شنوی؟ تا به کی نزد تو از ظلم فریاد برمی آورم و نجات نمی دهی؟
 ۳ چرا بی انصافی رابه من نشان می دهی و برستم نظرمی نمایی و غضب و ظلم پیش روی من می باشد؟ منازعه پدید می آید و مختصم سر خود را بلند می کند.
 ۴ از این سبب، شریعت سست شده است و عدالت هرگز صادر نمی شود. چونکه شریران عادلان را احاطه می نمایند. بنابراین عدالت معوج شده صادر می گردد.

جواب خداوند

۵ در میان امت ها نظر کنید و ملاحظه نمایید و بشدت متحیر شوید. زیرا که در ایام شما کاری می کنم که اگر شما را هم از آن مخبر سازند، باور نخواهید کرد.
 ۶ زیرا که اینک آن امت تلخ و تندخو، یعنی کلدانیان را برمی انگیزانم که دروسعت جهان می خرامند تا مسکن هایی را که از آن ایشان نیست به تصرف آورند.
 ۷ ایشان هولناک و مهیب می باشند. حکم و جلال ایشان از خودایشان صادر می شود.
 ۸ اسبان ایشان از پلنگها چالاکتر و از گرگان شب تیزروترند و سواران ایشان جست و خیز می کنند. و سواران ایشان از جای دور آمده، مثل عقابی که برای خوراک بشتابند می پرند.

۹. جمیع ایشان برای ظلم می آیند. عزیمت روی ایشان بطرف پیش است و اسیران را مثل ریگ جمع می کنند.

۱۰. و ایشان پادشاهان را استهزا می نمایند و سروران مسخره ایشان می باشند. بر همه قلعه ها می خندند و خاک را توده نموده، آنها را مسخر می سازند.

۱۱. پس مثل باد بشتاب رفته، عبور می کنند و مجرم می شوند. این قوت ایشان خدای ایشان است.

شکایت حقیق

۱۲. ای یهوه خدای من! ای قدوس من! آیا تو از ازل نیستی؟ پس نخواهیم مرد. ای خداوند ایشان را برای داوری معین کرده ای وای صخره، ایشان را برای تادیب تاسیس نموده ای.

۱۳. چشمان تو پاکتر است از اینکه به بدی بنگری و به بی انصافی نظر نمی توانی کرد. پس چرا خیانتکاران را ملاحظه می نمایی و حینی که شیر کسی را که از خودش عادل تر است می بلعد، خاموش می مانی؟

۱۴. و مردمان را مثل ماهیان دریا و مانند حشراتی که حاکی ندارند می گردانی؟

۱۵. او همگی ایشان را به قلاب برمی کشد و ایشان را به دام خود می گیرد و در تور خویش آنها را جمع می نماید. از اینجهت، مسرور و شادمان می شود.

۱۶. بنابراین، برای دام خود قربانی می گذرانند و برای تور خویش بخور می سوزانند. چونکه نصیب او از آنها فربه و خوراک وی لذیذ می شود.

۱۷. آیا از اینجهت دام خود را خالی خواهد کرد و از پیوسته کشتن امت ها دریغ نخواهد نمود؟

۱ بر دیده بانگاه خود می ایستم و بر برج برپای شوم. و مراقب خواهم شد تا ببینم که اوبه من چه خواهد گفت و درباره شکایتم چه جواب خواهد داد.

۲ پس خداوند مرا جواب داد و گفت: رویا را بنویس و آن را بر لوحها چنان نقش نما که دونده آن را بتواند خواند.

۳ زیرا که رویا هنوز برای وقت معین است و به مقصد می شتابد و دروغ نمی گوید. اگرچه تاخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود.

۴ اینک جان مرد متکبر در اوراست نمی باشد، اما مرد عادل به ایمان خودزیست خواهد نمود.

۵ به درستی که شراب فریبنده است و مرد مغرور آرامی نمی پذیرد، که شهوت خود را مثل عالم اموات می افزاید و خودش مثل موت، سیر نمی شود. بلکه جمیع امت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد.

۶ پس آیا جمیع ایشان بر وی مثلی نخواهند زد و معمای طعن آمیز بر وی (نخواهند آورد)؟ و نخواهند گفت: وای بر کسی که آنچه را که از آن وی نیست می افزاید؟ تا به کی؟ و خویشتن را زیر بار رهنهایی نهد.

۷ آیا گزندگان بر تو ناگهان برنخواهند خاست و آزارندگانت بیدار نخواهند شد و تو را تاراج نخواهند نمود؟

۸ چونکه تو امت های بسیاری را غارت کرده ای، تمامی بقیه قوم ها تو را غارت خواهند نمود، به سبب خون مردمان و ظلمی که بر زمین و شهر و جمیع ساکنانش نموده ای.

۹ وای بر کسی که برای خانه خود بدی را کسب نموده است تا آشیانه خود را بر جای بلند ساخته، خویشتن را از دست بلا برهاند.

۱۰ رسوایی را به جهت خانه خویش تدبیر کرده ای به اینکه قوم های بسیار را قطع نموده و برضد جان خویش گناه ورزیده ای.

- ۱۱ زیرا که سنگ از دیوار فریاد برخواهد آورد و تیر از میان چوبها آن را جواب خواهد داد.
- ۱۲ وای بر کسی که شهری به خون بنا می کند و قریه ای به بی انصافی استوار می نماید.
- ۱۳ آیا این از جانب یهوه صبیوت نیست که قومها برای آتش مشقت می کشند و طوایف برای بطالت خویشان را خسته می نمایند؟
- ۱۴ زیرا که جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد به نحوی که آبهدار را مستور می سازد.
- ۱۵ وای بر کسی که همسایه خود را می نوشاند و بر تو که زهر خویش را ریخته، او را نیز مست می سازی تا برهنگی او را بنگری.
- ۱۶ تو از رسوایی به عوض جلال سیر خواهی شد. تو نیز بنوش و غلفه خویش را منکشف ساز. کاسه دست راست خداوند بر تو وارد خواهد آمد و قی رسوایی بر جلال تو خواهد بود.
- ۱۷ زیرا ظلمی که بر لبنان نمودی و هلاکت حیوانات که آنها را ترسانیده بود، تو را خواهد پوشانید. به سبب خون مردمان و ظلمی که بر زمین و شهر و بر جمیع ساکنانش رسانیدی.
- ۱۸ از بت تراشیده چه فایده است که سازنده آن، آن را بتراشد یا از بت ریخته شده و معلم دروغ، که سازنده آن بر صنعت خود توکل بنماید و بتهای گنگ را بسازد.
- ۱۹ وای بر کسی که به چوب بگوید بیدار شو و به سنگ گنگ که برخیز! آیا می شود که آن تعلیم دهد؟ اینک به طلا و نقره پوشیده می شود لکن در اندرونش مطلق روح نیست.
- ۲۰ اما خداوند در هیکل قدس خویش است پس تمامی جهان به حضور وی خاموش باشد.

۲ ای خداوند چون خبر تو را شنیدم ترسان گردیدم. ای خداوند عمل خویش را در میان سالها زنده کن! در میان سالها آن را معروف ساز و در حین غضب رحمت را بیاد آور.

۳ خدا از تیمان آمد و قدوس از جبل فاران، سلاه. جلال او آسمانها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملو گردید.

۴ پرتو او مثل نور بود و از دست وی شعاع ساطع گردید. و ستر قوت او در آنجا بود.

۵ پیش روی وی وبا می رفت و آتش تب نزد پایهای اومی بود.

۶ او بایستاد و زمین را پیود. او نظر افکند و امتها را پراکنده ساخت و کوههای ازلی جستند و تلهای ابدی خم شدند. طریق های او جاودانی است.

۷ خیمه های کوشان را در بلادیدم. و چادرهای زمین مدیان لرزان شد.

۸ ای خداوند آیا بر نهرها غضب تو افروخته شد یا خشم تو بر نهرها و غیظ تو بر دریا وارد آمد، که بر اسبان خود و ارا به های فتح مندی خویش سوار شدی؟

۹ کجا تو تمام برهنه شد، موافق قسمهایی که در کلام خود برای اسباط خورده ای، سلاه. زمین را به نهرها منشق ساختی.

۱۰ کوهها تو را دیدند و لرزان گشتند و سیلاب ها جاری شد. لجه آواز خود را داد و دستهای خویش را به بالا برافراشت.

۱۱ آفتاب و ماه در برجهای خود ایستادند. از نور تیرهایت و از پرتو نیزه براق تو برفتند.

۱۲ با غضب در جهان خرامیدی، و با خشم امتها را پایمال نمودی.

۱۳ برای نجات قوم خویش و خلاصی مسیح خود بیرون آمدی. سر را

از خاندان شریان زدی و اساس آن را تا به گردن عریان نمودی، سلاه.

۱۴ سر سرداران ایشان را به عصای خودشان مجروح ساختی، حینی که

مثل گردباد آمدند تا مرا پراکنده سازند. خوشی ایشان در این بود که

مسکینان را در خفیه ببلعند.

۱۵ با اسبان خود بردریا و برانبوه آبهای بسیار خرامیدی.

۱۶ چون شنیدم احشایم بلرزید و از آواز آن لبایم بجنید، و پوسیدگی به استخوانهایم داخل شده، در جای خود لرزیدم، که در روز تنگی استراحت یابم هنگامی که آن که قوم را ذلیل خواهد ساخت، بر ایشان حمله آورد.

۱۷ اگرچه انجیر شکوفه نیاورد و میوه در موهایافت نشود و حاصل زیتون ضایع گردد و مزرعه‌ها آذوقه ندهد، و گله‌ها از آغل منقطع شود و رومه‌ها در طویله‌ها نباشد،

۱۸ لیکن من در خداوند شادمان خواهم شد و در خدای نجات خویش وجد خواهم نمود.

۱۹ یهوه خداوند قوت من است و پایهایم را مثل پایهای آهومی گرداند و مرا بر مکان‌های بلندم خرامان خواهد ساخت. برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 1 Oct 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f